

نمایشگاه کتاب فرانکفورت

برگزارکنندگان نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت دعوت خود را از ناشران ایرانی پس گرفته‌اند. دلایل گوناگون و متضادی جهت این عمل خود ابراز کردند که هیچکدام مورد قبول ناشران ایرانی قرار نگرفت.

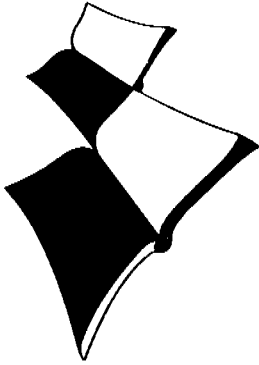
امیدواریم برگزارکنندگان چنین نمایشگاههایی که با مقوله کتاب و فرهنگ سروکار دارند خود را از اغراض سیاسی بدور نگاه دارند. بدون تردید عدم حضور ناشران ایرانی در چنین نمایشگاهی از ارزش فرهنگی چنین حرکتی کاسته است.

تصور کنید کسی شیفته کتاب است و باخیر می‌شود که هر سال در محلی به مساحت ۱۲۶ هزار متر مربع، دهها هزار کتاب از اقصی نقاط جهان - و درباره هر موضوعی که بخواهید - با نظم و ترتیب خاص به نمایش گذاشته می‌شود. حال اگر شما جای چنین شخصی باشید و امکان حضور در چنین بازار مکاره کتاب هم برایتان مهیا باشد، چه می‌کنید؟ بنده که نه یک سال، بلکه هر سال که مقدورم باشد با پای جان راهی دیدار این نمایشگاه کتاب خواهم شد. ... و امسال نیز فرصت مناسبی پیش آمد و برای یک هفته رهسپار دیدار از بزرگترین نمایشگاه جهانی کتاب در فرانکفورت شدم. به توصیه دوست ارجمند آقای دهباشی یادداشتهانی از چگونگی برگزاری نمایشگاه امسال آماده کرده‌ام که در زیر می‌آید. اما پیش از آن بی‌فایده نخواهد بود که تاریخچه نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت را مروری کنیم.

تاریخچه ای کوتاه

قدیمی‌ترین بازار مکاره جهان که در آن کالاهای گوناگون - نه از برای داد و ستد که به قصد نمایش - عرضه می‌شد، نخستین بار حدود سال ۱۱۶۵ میلادی در شهر لایپزیک (آلمان) برگزار گردید. این بازار مکاره از سال ۱۵۰۷ مورد توجه خاص «ماکسیمیلیان اول» قیصر روم قرار گرفت و در دوران گسترش و شکوفایی روابط بازرگانی آلمان با روسیه و لهستان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. در اواسط سده پانزده میلادی، کتاب نیز - به مفهوم و

نشانهٔ چهل و سومین
نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت



**43. Frankfurter
Buchmesse 1991**

**43rd Frankfurt
Book Fair 1991**

**43^e Foire du Livre
de Francfort 1991**

۱۵۸

شکل امروزی آن - از جمله کالاهایی بود که در بازار مکاره لایپزیک به معرض نمایش گذارده شد.

اما نخستین بازار مکاره مستقل کتاب در شهر فرانکفورت برپا شد و اولین فهرست کتاب (کاتالوگ) به سال ۱۵۶۴ میلادی در شهر آگسبورگ (آلمان) منتشر گردید. ولی از آن پس تا سال ۱۷۱۹ فهرست کتابها نیز در فرانکفورت انتشار می‌یافت. بازار مکاره کتاب فرانکفورت تا اواخر سده شانزده میلادی یکی از مراکز مهم عرضه کتاب در جهان به حساب می‌آمد. اما از سال ۱۵۹۶ با افزایش یافتن تفتیش و ممیزی در مطالب کتاب (سانسور) از سوی کلیسا و اخذ مالیاتهای گزاف از ناشران توسط دولت، رفته رفته نویسندگان، دانشمندان، ناشران و چاپخانه‌ها به سوی شهر لایپزیک به عنوان مرکز کتاب در شمال آلمان، جلب شدند. در اواسط سده هجده میلادی، لایپزیک بزرگترین مرکز کتاب در جهان به شمار می‌رفت و تا آغاز جنگ جهانی دوم نیز گسترده‌ترین سازمان نشر و پخش کتاب در سطح جهان، و همچنین کتابخانه و بایگانی مرکزی آلمان در این شهر قرار داشت.

در دوران تسلط ناسیونال سوسیالیست‌ها (نازی‌ها) نه تنها نمایشگاه کتابی در آلمان برگزار نشد، بلکه مراسم کتابسوزان در میدانهای بزرگ شهرها - همراه با لهله و شادی

نشانه موضوع اصلی چهل و سومین
نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت؛
(اسپانیا)



Schwerpunktthema
Spanien

Focal theme
Spain

Thème central
l'Espagne

۱۵۹

توده‌های بی‌هویت و متعصب - رواج بسیار داشت. نویسندگان و اندیشمندان کشورهایی که زیر سلطه نظام یک‌ه‌تاز و مستبد هیتلری قرار داشتند، یا در بازداشتگاه‌های کار اجباری به سر می‌بردند و یا در فقر و تبعید.

در نخستین سالهای پس از جنگ جهانی دوم، بازار نشر و پخش کتاب رونق و گسترش چندانی نداشت. در روزهای ۱۸ تا ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۴۹ میلادی، نزدیک به ۲۰۰ ناشر از کشورهای مختلف در «کلیسای پاول» فرانکفورت گرد آمدند و اولین نمایشگاه کتاب بعد از جنگ را تشکیل دادند. ویرانه‌های ناشی از جنگ در آلمان در آن زمان هنوز به طور کامل بازسازی نشده بود، ولی «کلیسای پاول» فرانکفورت از معدود بناهای تاریخی بود که خرابیهای آن به موقع برای برگزاری مراسم صدمین سالگرد تشکیل مجلس مؤسسان بازسازی شد. بی‌شک همزمانی نمایشگاه کتاب با این مراسم و نیز همزمان بودن آن با جشن دویستمین سال تولد «گوته»، یکی از علل مقبولیت و موفقیت جهانی نخستین نمایشگاه کتاب فرانکفورت بود.

بر گزار کنندگان نمایشگاه در کنار هدفهای اقتصادی و فرهنگی، مترصد تأثیر گذاردن بر روی جریانهای اجتماعی - سیاسی روز نیز بودند. به همین دلیل سخنران اصلی اولین نمایشگاه کتاب فرانکفورت «تئودور پلویبه» - نویسنده آلمانی که بین سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵

در تبعید به سر برده بود - در نظر گرفته شد. البته در دو دهه اول برگزاری نمایشگاه، جنبه‌های اقتصادی تولید کتاب سهم بیشتری در مسیر تکامل آن داشت.

در اینجا باید یادآوری کرد که در آن سالها، رقابتی میان فرانکفورت و لایپزیک برای کسب عنوان «بزرگترین بازار مکاره کتاب در جهان» به وجود آمد که در پایان کار، نمایشگاه کتاب فرانکفورت گوی سبقت را ربود.

در اواخر دهه شصت میلادی تظاهرات گسترده و فراگیر دانشجویان در اروپای مرکزی و آمریکای شمالی و ناآرامی‌هایی که در نمایشگاه کتاب فرانکفورت آفرید، موجب سیاسی‌تر شدن آن گردید؛ و حتی تا مرز ازمه پاشیدگی نمایشگاه پیش رفت. دانشجویان معترض به اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دوران، غرفه‌های کتاب را به اشغال خود درآوردند و مباحث سیاسی روز را در مرکز ثقل نمایشگاه جای دادند.

اما با فرونشستن جنبش دانشجویی، از جذابیت نمایشگاه کتاب فرانکفورت نیز کاسته شد. دیگر نه موضوع بحث‌انگیزی مطرح می‌شد و نه مناظره کنندگان پرشوری وجود داشتند تا راجع به مسائل روز و کتابهای تازه جدل و جدال کنند. از سال ۱۹۷۲ سطح فرهنگی نمایشگاه پایین آمد و کتابهای پیش‌پا افتاده‌ای چون «خاطرات محمدعلی کلی» یا «خاطرات جینالولو بریجیدا» و کتابهایی از این قبیل، قفسه کتابها را پر کردند. نمایشگاه کتاب فرانکفورت در این دوره کوتاه از رونق افتاد و اغلب نویسندگان، مترجمان و منتقدان میل چندانی برای شرکت در هفته برگزاری نمایشگاه نشان نمی‌دادند. بازتاب مراسم افتتاح و نقد و معرفی کتابهای تازه در رسانه‌های همگانی نیز به طور قابل توجهی کاهش یافت.

تحول در سازمان نمایشگاه

اما پیش از آن که نمایشگاه کتاب فرانکفورت فقط بازاری برای عرضه کتابهای نازل شود، مسئولان نمایشگاه برای نجات نام پرآوازه «بزرگترین بازار مکاره جهانی کتاب» پیشقدم شدند. شاید به جرأت بتوان گفت که از سال ۱۹۷۶، که برگزارکنندگان موضوع اصلی نمایشگاه را به آمریکای لاتین اختصاص دادند، نمایشگاه کتاب فرانکفورت به مثابه «مهمترین رویداد فرهنگی - اجتماعی» سال، جای خود را تثبیت کرد. در اوایل دهه هفتاد، به خاطر وقایعی که در اغلب کشورهای آمریکای لاتین به وقوع پیوسته و موجب پیدایش دیکتاتوری‌های نظامی شده بود، «آمریکای لاتین» به عنوان موضوع اصلی نمایشگاه انتخاب شد که با استقبال عمومی روبرو گردید.

از آن سال تا سال ۱۹۸۸ هر دو سال یک بار، نمایشگاه کتاب موضوعی اصلی را برمی‌گزید و ناشران نیز می‌کوشیدند که در رابطه با آن کتابهای بیشتری انتشار دهند. از سال ۱۹۸۹، برگزارکنندگان تصمیم گرفتند که به جای هر دو سال یک بار، هر ساله کشور یا موضوعی را موضوع اصلی نمایشگاه قرار دهند.

تا کنون موضوع و بحثهای اصلی نمایشگاه به شرح زیر بوده است:

سال ۱۹۷۶ آمریکای لاتین، ۱۹۷۸ کتاب و کودک، ۱۹۸۰ آفریقای سیاه، ۱۹۸۲ مذهب، ۱۹۸۴ جورج اورول، ۱۹۸۶ هندوستان، ۱۹۸۸ ایتالیا، ۱۹۸۹ فرانسه، ۱۹۹۰ ژاپن و ۱۹۹۱ اسپانیا.

برای سالهای آینده نیز این کشورها در نظر گرفته شده‌اند: سال ۱۹۹۲ روسیه (اتحاد جماهیر شوروی چند سال پیش آمادگی خود را اعلام کرده بود، ولی امسال به خاطر اوضاع بحرانی و آینده نامعلوم این کشور، از برگزیده شدن به عنوان موضوع اصلی نمایشگاه کتاب سال آینده عذر خواست. هم‌کزی یک جای روسیه را پُر خواهد کرد.) ۱۹۹۳ برزیل - ۱۹۹۴ هلند.

جایزه صلح ناشران آلمانی

همه ساله همزمان با هفته برگزاری نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت، جایزه صلحی که همراه با ۲۵ هزار مارک آلمان است، از سوی ناشران آلمانی به دانشمند، نویسنده، مترجم، شاعر، هنرمند و یا شخصیتی اجتماعی - فرهنگی که در تحقق اندیشه‌های صلح طلبانه مؤثر بوده است، اعطاء می‌شود. این جایزه که در دومین نمایشگاه کتاب در سال ۱۹۵۰ به وجود آمد، و بنابر اساسنامه بنیاد مؤسسان می‌تواند به شخصیتی نیز که در قید حیات نیست اعطاء شود، دارای اعتبار و شهرت جهانی است. البته جایزه صلح ناشران آلمانی به خاطر کتاب یا اثر مشخصی به نویسنده تعلق نمی‌گیرد، بلکه مجموعه آثار و سیر تکاملی زندگی اجتماعی و فرهنگی و کوششهای صلح جویانه وی در گستره ادبیات، علوم و یا آفرینش آثار هنری در نظر گرفته می‌شود.

ناگفته پیداست که ملیت، جنسیت، نژاد و اعتقادات نامزدهای دریافت «جایزه صلح ناشران آلمانی» در تصمیم شورای داوران هیچگونه تاثیری ندارد. فهرست اسامی دریافت کنندگان این جایزه، خود مؤید این ادعاست.

اولین بار در سال ۱۹۵۰ «ماکس تاو» نویسنده آلمانی تبار تبعه نروژ به دریافت این جایزه نایل آمد. از آن زمان تا کنون شخصیت‌های بسیاری از نقاط مختلف جهان جایزه صلح ناشران آلمانی را دریافت کردند که از میان آنها می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱۹۵۱ آلبرت شوابتر، پزشک و فیلسوف شهیر. در سال ۱۹۵۲ جایزه نوبل نیز به او اعطاء شد.

۱۹۵۳ مارتین بوبر، فیلسوف و مورخ اتریشی

۱۹۵۵ هرمان هسه، نویسنده آلمانی

۱۹۵۷ تورتن وایلد، نویسنده آمریکایی

۱۹۵۸ کارل یاسپرس، فیلسوف آلمانی

۱۹۵۹ تئودور هویس، اولین رئیس جمهور آلمان فدرال

- ۱۹۶۰ ویکتور گالتس، ناشر مشهور انگلیسی
- ۱۹۶۱ ساووپالی رادها گریستان، استاد فلسفه دانشگاه و رئیس جمهور هند
- ۱۹۶۴ گابریل مارسل، نویسنده و منتقد فرانسوی
- ۱۹۶۷ ارنست بلوخ، فیلسوف آلمانی
- ۱۹۷۰ زوج دانشمند سوئدی، گونا و آلو موردا
- ۱۹۷۲ یانوس کورچاک، پزشک و آموزگار لهستانی که در سال ۱۹۴۲ در اردوگاه‌های ناسیونال سوسیالیستها (نازی‌ها) با فداکاری و جانبازی‌های بسیار، کوشید تا صدها کودک یهودی را از مرگ نجات دهد. این بزرگمرد سرانجام جان خود را در این راه از دست داد.
- ۱۹۷۳ کلوپ رُم. انجمنی است متشکل از دانشمندان و صاحبان صنایع که پژوهش در اوضاع جهان و ترسیم دورنمای جامعه بشری را هدف خود قرار داده است.
- ۱۹۷۷ لیشک کولاکوفسکی، فیلسوف و نویسنده لهستانی
- ۱۹۷۸ بانو آسترید لیندگرن، نویسنده سوئدی داستانهای کودکان که از شهرت و محبوبیت جهانی برخوردار است.
- ۱۹۷۹ یهودی منوهین، ویولون نواز آمریکایی
- ۱۹۸۰ ارنستو کاردینال، شاعر نیکاراگوئه‌ای. او کشیش کاتولیک است و در دوران حکومت ساندنیست‌ها، وزیر فرهنگ این کشور بود.
- ۱۹۸۱ یف کوپولف، نویسنده روسی
- ۱۹۸۴ اوکتاویو پاز، نویسنده مکزیکی
- ۱۹۸۶ ولادیسلاو بارتوشفسکی، مورخ لهستانی
- ۱۹۸۷ هانس یوناس، فیلسوف آمریکایی آلمانی تبار
- ۱۹۸۸ زیگفرید لیتس، نویسنده آلمانی
- ۱۹۸۹ واسلاو هاول، نویسنده و نماینده نویس لهستانی. دو سال پیش، هنگامی که جایزه صلح ناشران آلمانی به این نویسنده اعطاء شد، در چکسلواکی انقلاب علیه استبداد کمونیستی در جریان بود. دولت وقت از شرکت هاول در مراسم اعطاء جایزه جلوگیری کرد و به او اجازه سفر به فرانکفورت را نداد. به ناچار این مراسم بدون حضور او انجام گرفت.
- واسلاو هاول که به خاطر کوششهای آزادیخواهانه‌اش بارها به زندان افتاده بود، در دوران کوتاه «بهار پراگ»، در سال ۱۹۶۸، رئیس کانون نویسندگان مستقل چکسلواکی و یکی از بنیانگذاران و سخنگوی «جنبش دفاع از حقوق بشر» این کشور بود که به «منشور ۷۷» شهرت

بازی چرخ روزگار بین که دو ماه بعد از آن که هاول حتی اجازه خروج از کشورش را نداشت، انقلاب صلح آمیز و بدون خونریزی چکسلواکی به پیروزی رسید و واسلاو هاول در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۹ به ریاست جمهوری انتخاب شد.

هر که گوید که چرخ بی کارست	پیش جانش ز جهل دیوارست
کس ندید، ای پسر، نه نیز شنید	هیچ گردنده‌ای که بی کارست
داد کن کز ستم به رنج رسی	در جهان این سخن پدیدارست
بد کنش بد به جان خویش کند	هم برو فعل زشت او مارست
کار فردا به عدل خواهد بود	گرچه امروز کار باوارست

۱۹۹۰ کارل ددسیوس، مترجم و ویراستار لهستانی - آلمانی

۱۹۹۱ برندهٔ امسال جایزهٔ صلح ناشران آلمانی جورجی کُنراد، نویسنده و جامعه‌شناس مجار بود. کُنراد دبیر کل کلوب جهانی قلم PEN است.

نمایشگاه کتاب؛ مکان تلاقی فرهنگها

ناگفته نگذارم که در طول بیش از چهل سال که دو آلمان از هم جدا بودند، هر ساله در اواخر بهار، نمایشگاه کتاب لایپزیک نیز در آلمان شرقی برگزار می‌شد. در تابستان امسال برای نخستین بار بعد از اتحاد آلمان، مسئولان تشکیلات نمایشگاه‌های فرانکفورت و لایپزیک به گفتگو و مذاکره دربارهٔ آینده نمایشگاه لایپزیک پرداختند و قرار شد این نمایشگاه کماکان برقرار بماند و از این پس بین دو نمایشگاه کتاب همکاریهای نزدیکی به وجود آید. اما بی‌هیچ گفت و شنودی باید اذعان داشت که از جنگ جهانی دوم تاکنون، برای نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت هیچ بدیل و رقیب جدی وجود نداشته است و با توجه به برنامهٔ دقیق، سازماندهی منظم و بودجهٔ هنگفتی که در اختیار این نمایشگاه قرار دارد، به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک، یکی از ۲۶ نمایشگاه جهانی کتاب بتواند با نمایشگاه فرانکفورت برابری کند.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت همواره مکان تلاقی داد و ستد فرهنگها بوده است.

بر این اساس، عدم حضور نویسندگان و ناشران هر کشوری در این نمایشگاه - به هر دلیلی که باشد - خالی از زیانهای مادی و معنوی نیست؛ به‌ویژه برای سرزمینی که از پشتوانهٔ فرهنگی عظیمی برخوردار است و در زمرهٔ کهنسال‌ترین تمدنهای تاریخ بشری به شمار می‌آید. غیبت ایران در دو سال اخیر در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و جای خالی ناشران و نویسندگان ایرانی، برای دوستداران فرهنگ و تمدن ایران و شیفتگان معارف اسلامی در سراسر جهان - که خوشبختانه تعدادشان کم هم نیست - باعث تأسف است.

آمار و ارقام

در اولین نمایشگاه کتاب فرانکفورت در سال ۱۹۴۹ تنها ۲۰۰ ناشر شرکت داشتند و تعداد کتابهایی که به نمایشگاه عرضه شد - به خاطر اوضاع اجتماعی و محیط فرهنگی دوران بعد از جنگ و همچنین رکود اقتصادی ناشی از آن - نیز محدود بود و به هیچ عنوان قابل مقایسه با سالهای بعد نیست.

امسال در چهل و سومین سال برگزاری این بازار مکاره جهانی کتاب، بیش از ۸۵۰۰ ناشر از ۹۰ کشور جهان در فرانکفورت و در محلی به مساحت ۱۲۶ هزار متر مربع حضور داشتند. روز هشتم اکتبر، نمایشگاه کتاب با سخنرانی وزیر اقتصاد آلمان و وزیر فرهنگ اسپانیا و با شرکت شخصیت‌های اجتماعی و فرهنگی از کشورهای مختلف، افتتاح شد. از روز نهم تا چهاردهم اکتبر، تعداد ۳۴۶ هزار کتاب به نمایش گذاشته شد، که ۹۸ هزار عنوان تازه در میان آنها یافت می‌شد.

بعد از آلمان که میزبان نمایشگاه بود، ناشران انگلیسی بزرگترین غرفه‌ها را در اختیار داشتند و بیشترین کتابها را به نمایش گذاشتند. ناشران آمریکایی و فرانسوی در مقامهای دوم و سوم قرار گرفتند. چهار کشوری که به عنوان بزرگترین صادرکنندگان کتاب در سطح جهان شناخته شدند عبارتند از: انگلستان با ۱۹/۵ درصد، آمریکا با ۱۵/۴ درصد، آلمان با ۱۴ درصد و فرانسه با ۸/۶ درصد.

هر سال حدود ۸۰ درصد از مذاکرات و دادوستدهای جهانی مربوط به حق طبع و تقلید میان ناشران کشورهای مختلف، در نمایشگاه کتاب فرانکفورت انجام می‌گیرد. این شهر در هفته برگزاری نمایشگاه محل ملاقات و گفتگوی ناشران، مؤسسات بخش کتاب، کتابفروشی‌ها، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و هنرمندان طراح و نقاش و خطاط است. به این خاطر در این هفته فقط دو روز درهای نمایشگاه کتاب بر روی عموم باز است و چهار روز باقی مانده به کسانی تعلق دارد که به گونه‌ای در آفرینش کتاب سهمی دارند.

امسال نزدیک به ۸۰۰۰ منتقد و مفسر و خبرنگار از ۷۶ کشور برای تهیه گزارش و فیلم در نمایشگاه کتاب حضور داشتند. روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های معتبر آلمان هر کدام شماره‌ای ویژه نمایشگاه کتاب انتشار دادند که در آن به تفصیل به نقد و معرفی کتابهای تازه و گفتگو با نویسندگان و ناشران پرداخته شده بود. در چادر بزرگی که در فضای آزاد نمایشگاه برپا شده بود، جلسات کتابخوانی و شعرخوانی برگزار بود. امسال تعداد دیدارکنندگان، در هفته برگزاری نمایشگاه کتاب فرانکفورت، بیش از ۲۷۰ هزار نفر اعلام گردید.

اسپانیا؛ موضوع اصلی نمایشگاه کتاب امسال

«اسپانیا» امسال موضوع اصلی نمایشگاه بود و به همین منظور، محل بزرگی در اختیار ناشران این کشور قرار گرفت. البته در مقایسه با سال گذشته که «ژاپن» موضوع اصلی نمایشگاه بود، تزئینات و نمود این محل، زرق و برق سال پیش را نداشت و تفاوت میان کشوری

ثروتمند مثل ژاپن و سرزمینی با هنرمندان و نویسندگانی نامدار، ولی از لحاظ اقتصادی ضعیف، به خوبی پدیدار بود. اسپانیایی‌ها سالن مدوز بزرگی را با شن‌های نرم پوشانده بودند که به میدان گاو‌بازی می‌ماند، ولی خوشبختانه نه از گاوهای وحشی خبری بود و نه از توده نمره زنی که گاو و گاو‌باز را به جان هم می‌اندازد. در عوض پیرامون سالن قفسه‌هایی مملو از کتابهای یک شکل و یک رنگ قرار داشت، که تا سقف بلند تالار کشیده شده بود. بنده کنجکاو که از مشاهده این همه کتاب یک شکل با جلد سفید (شاید چند هزار) به شگفت آمده بودم، چند تایی را بازرسی کردم و دیدم که ای دل غافل این همه نه کتاب، که دفترهای سفید چندصد برگی هستند. برادرم به شوخی گفت: «اینها کتابهایی هستند که هنوز نویسندگان خود را پیدا نکرده‌اند.» بنده هرچه فکر کردم به فلسفه چنین کاری پی نبردم. اما بی‌شک هنرمند طراح این سالن پیش خودش حسابهایی کرده است که ما از آن سر در نمی‌آوریم!

کتابهای ایرانی در نمایشگاه

علی‌رغم عدم حضور ناشران ایرانی در نمایشگاه، امسال نیز همانند دو سال گذشته، کتابهای بسیاری به زبانهای گوناگون درباره ایران و فرهنگ و ادب و تاریخ ایران در فرانکفورت به نمایش گذاشته شده بود. در اینجا تنها به چند کتاب که به زبان آلمانی انتشار یافته است اشاره می‌شود:

امسال انتشارات «مازیه»، «اسکندرنامه» نظامی را به زبان آلمانی به نمایشگاه کتاب عرضه داشت. مترجم این اثر «کریستف بورگل» است که تاکنون در کنار تحقیقات بسیاری در مورد ادبیات ایران، چند منظومه دیگر از نظامی را نیز به زبان آلمانی ترجمه کرده است. یک مؤسسه انتشاراتی هلندی - آلمانی چندی است که اقدام به ترجمه و نشر و پخش سلسله کتابهایی درباره «عرفان ایرانی» نموده است. ترجمه روشن و خوب این کتابها در صفحات فرهنگی نشریات آلمان، مورد توجه و تحسین منتقدان ادبی قرار گرفته است. انتشارات «کاستروم» ناشر این سلسله کتابها، در سالهای گذشته متونی چون «سوانح»، اثر مجدالدین خواجه احمد غزالی، «تذکره الاولیاء»، اثر جاودان فریدالدین عطار نیشابوری، گزیده چند حکایت از مثنوی معنوی، و منتخبی از رباعیات مولانا جلال‌الدین رومی را به زبان آلمانی منتشر نمود. این ناشر امسال ترجمه آلمانی «مناجات خواجه عبدالله انصاری» را در مجلدی زیبا به نمایشگاه کتاب فرانکفورت عرضه داشت. مترجم تمام متون نامبرده، خانم «گیز لاونت» است. روزنامه معتبر «فرانکفورته آگهینه» در نقدی بر انتشار ترجمه آلمانی «سوانح» نوشت: «شاهکار عرفان: تاکنون اثری به زبان آلمانی منتشر نشده است که چنین ژرف و عریان، دیدار عاشق و معشوق را در نور تابناک خود به نمایش گذارد.» همین روزنامه در باره ترجمه «تذکره الاولیاء» می‌نویسد: «ترجمه خوب و روشن شاهکار عطار به زبان آلمانی و چاپ زیبایی این کتاب، موجب خواهد شد که این اثر در کشورهای آلمانی‌زبان نه به عنوان کتابی زودگذر در باره عرفان - که هم اکنون مد روز شده است - بلکه همیشه در یادها زنده بماند.»

از شیخ عطار کتاب «منطق الطیر» نیز به آلمانی ترجمه شده است. داستان «ویس و رامین» اثر فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر قرن پنجم هجری توسط انتشارات «رکلام» که در لایپزیک مستقر است، به تازگی به زبان آلمانی منتشر شده است. «ایران، چرخ گردنده میان مشرق و مغرب» عنوان کتاب دیگری است که امسال در نمایشگاه کتاب عرضه گردید. نویسنده آلمانی کتاب «گرهارد شواتسر» است. از خانم «اریکا فریدل» نویسنده اتریشی، کتاب تازه‌ای با عنوان «زنان ده کوه - زندگی زنان در روستاهای ایران» انتشار یافت که در نمایشگاه با استقبال منتقدان روبرو شد. خانم فریدل که استاد رشته انسان‌شناسی در آمریکا است، در مجموع ۵ سال در روستاهای ایران زندگی کرده و در این مدت فرصت کافی داشته است تا با زنان روستایی به گفتگو بنشیند. «زنان ده کوه» داستان مستندی است از تجربیات زندگی زنان ایران در روستاها؛ با تمام سادگی و صفایشان. این کتاب درست نقطه مقابل کتابی است که خانمی آمریکایی - مغرضانه و با پیشداوری‌های بسیار در باره مردم و آداب و رسوم زندگی در ایران - در مدت کوتاه اقامت خود در تهران گزارشگر آن است.

نگارنده این سطور، کتاب «زنان ده کوه» را در دست ترجمه دارد که امید است بعد از اتمام کار به دست چاپ سپرده شود.

کتابهای بسیاری نیز به زبانهای مختلف درباره اوضاع اجتماعی ایران و وقایع سیاسی دهه اول انقلاب ایران در نمایشگاه دیده می‌شد که از میان آنها می‌توان «ایران، یک دهه جنگ و انقلاب» را نام برد.

در نمایشگاه کتاب امسال دیداری هم با محمود دولت‌آبادی داشتم که از سوی ناشر سوئسی کتابش به فرانکفورت دعوت شده بود. ترجمه «جای خالی سلوچ» به زبان آلمانی که توسط «اونیون فلاگ» منتشر شده است، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در رسانه‌های همگانی داشت. چند روزنامه آلمانی و سوئسی در صفحات ادبی خود کتاب را معرفی کردند. روزنامه «فرانکفورت روندشاو» با وی گفتگویی درباره وضعیت نویسندگان و ناشران در ایران داشت. یکی از برنامه‌های تلویزیونی آلمان نیز با دولت‌آبادی گفتگویی داشت که قرار است در هفته آینده پخش شود.

کتابهای تازه و بحث‌انگیز

در میان بیش از ۹۸ هزار کتاب تازه که امسال در فرانکفورت به نمایش گذاشته شد، شمار اندکی به صفحات معرفی و نقد کتاب روزنامه‌ها و مجلات راه یافتند. در زیر، فهرست وار به برخی از این کتابها اشاره‌ای می‌شود تا شاید در فرصت مناسب دیگری به معرفی و نقد آنها پرداخته شود:

* زندگینامه مستبدان شور و نامدار قرن حاضر، در نمایشگاه کتاب امسال بازار گرمی داشت. «آلن بالوک» مورخ مشهور انگلیسی زندگینامه هیتلر و استالین را در یک جلد گرد

آورده و سعی در ترسیم نمودن خطوط موازی زندگی این دو دیکتاتور قرن داشته است. این کتاب در اغلب روزنامه‌ها نقد و معرفی شد. ناگفته نماند که اولین بار فیلسوف و نویسنده شهیر خانم «هانا آرنت» در کتاب «خاستگاه‌های توتالیتاریسم»، هیتلر و استالین را با هم مقایسه کرد و سیاست برخاسته از ایدئولوژیهای این دو را به نقد کشید.

* «رنسود فیلچه» استاد تاریخ دانشگاه رُم، زندگینامه موسولینی، دیکتاتور ایتالیایی را به رشته تحریر درآورده که تاکنون ۷ جلد آن آماده چاپ شده است و دو جلد اول آن که بالغ بر ۱۵۷۶ صفحه می‌شود، امسال در نمایشگاه کتاب فرانکفورت عرضه شد. فیلچه مدتی نزدیک به سی سال بر روی این اثر کار کرده است.

* کتاب «تاریخ شکنجه» از مورخ آمریکایی «ادوارد پی توز» که در سال ۱۹۸۵ برای نخستین بار به انگلیسی منتشر شده بود، امسال به زبان آلمانی انتشار یافت.

* «مغز لنین»، کتاب، نقدی است کنایه آمیز از ماتریالیسم؛ نوشته «تیلمان اشپنگلرس»
* «مذهب، اخلاق و سیاست در اسلام»، این کتاب مجموعه مقالاتی است دربارهٔ دین اسلام از چند محقق معاصر.

* «دفتر خاطرات آلبر کامو»، بین سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۹.

* «گفتگوی من با لنین و مارکس»، نوشته «ولادیمیر تندریا کوف». نویسنده در این کتاب با روح لنین و مارکس به گفتگو نشسته است.

* جلد اول «دفترهای زندان»، نوشته «آنتونیو گرامشی» نظریه پرداز شهیر ایتالیایی و یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست ایتالیا.

* «مجموعه آثار آندره ژید».

* «جنگ در اسپانیا» (۱۹۳۶ تا ۱۹۴۹)، نوشته «والتر برنکر» محقق آلمانی.

* «پایان عصر پندار»، نوشته مورخ آلمانی «یواخیم فیست».

* «تجدد در معرض اتهام»، نوشته فیلسوف لهستانی و استاد دانشگاه «بیل» آمریکا
لشیک کولاکوفسکی.

* «نقد آثار نجیب محفوظ»، نوشته «هارتموت فندریش».

* رمان «شب، روز و شب»، از نویسنده لهستانی «آنجی شیتسپورسکی».

* رمان «دفاع از دوران کودکی»، از نویسنده آلمانی «مارتین والسر».

* رمان «باران تابستانی»، از «مارگریت دوراس».

* رمان «در سایهٔ کوچه»، نوشته سلیمان توفیق نویسنده سوری که به زبانهای آلمانی و عربی در یک مجلد توسط انتشارات «اورینت ادیتسیون» منتشر شده است. از همین مؤسسه انتشاراتی کتاب «... و من دریا را به خاطر دارم»، نوشته محمد دیب نویسنده الجزایری در نمایشگاه کتاب عرضه شد.

* رمان «قلب وطن پرست»، از «یوگنی پولوف» نویسنده روسی.

* رمان «عشق و زیاله»، از «ایوان کلیما» نویسنده چک.

* در نمایشگاه امسال، تمامی آثار خانم «نادین گوردیمیر» نویسنده آفریقای جنوبی که امسال موفق به دریافت جایزه نوبل ادبیات شد، به زبانهای مختلف و به طور گسترده‌ای به نمایش گذاشته شد. از میان آثار خانم گوردیمیر می‌توان رمانهای «مهمان محترم»، «مالک»، «دلکهای خوشبخت»، «طلسم شکنی» و «غریبه‌ای در میان غریبه‌ها» را نام برد.

* کتابهای بسیاری نیز از نویسندگان اسپانیایی به زبان آلمانی ترجمه شده بود:

+ رمان «نیم سایه»، از «خووان پنت».

+ رمان «باران زرد»، از «یولیو لامارسارس».

+ رمان «شهر عجایب»، از «ادواردو مندوزا».

+ رمان «لرزش»، از خانم «روزا مونتر».

* * *

حال که این همه از کتاب و دفتر سخن به میان آمد، قطعه شعری از علامه اقبال لاهوری را برای حسن ختام مناسب دیدم؛ تا خدای ناکرده تصور نکنیم که فقط کتاب و پناه بردن به آن، چاره‌ساز همه دردهای ماست.

شنیدم شبی در کتب‌خانه‌ی من به پروانه می‌گفت کرم کتابی
به او راق سینا نشیمن گرفتم بسی دیدم از نسخه‌ی فاریابی
نفهمیده‌ام حکمت زندگی را همان تیره‌روزم ز بی‌آفتابی
نکو گفت پروانه‌ی نیم‌سوزی که این نکته را در کتابی نیابی

تپش می‌کند زنده‌تر زندگی را

تپش می‌دهد بال و پر زندگی را



روی جلد کتاب «منطق الطیر» عطار

ABDULLAH ANSARI

GEBELI

مناجات



روی جلد کتاب «مناجات نامہ»
خواجہ عبداللہ انصاری

▷ روی جلد کتاب «سوانح»
احمد غزالی

AHMAD GHAZALI

GEDANKEN UBER DIE LIEBE

احمد غزالی سوانح

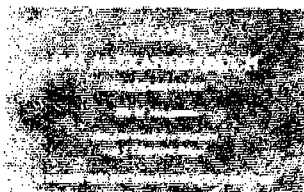




Nizami
Das Alexanderbuch

«Iskandername»
Neu aus dem Persischen übertragen,
mit Anmerkungen und einem Nach-
wort versehen von J. C. Bürgel.
688 Seiten und 14 persische Minia-
turen in Farbe.

روی جلد کتاب «اسکندرنامه»
نظامی



IRAN Drehscheibe
zwischen **Ost** und **West**
Gerhard Schweizer

Neu im Herbst '91

Gerhard Schweizer: «ایران؛ چرخ گردنده میان شرق و غرب»
Iran
Drehscheibe zwischen Ost
und West

روی جلد کتاب

Erika Friedl **Die Frauen**
von Deh Koh

Geschichten aus einem iranischen Dorf

کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



روی جلد کتاب «زنان ده کوه»

KNESEBECK & SCHÜLER